

ادامه از صفحه اول

برجام واكسن نیست

«... اما امروز می‌گویند اصلا ما برای رفع تحریم‌ها برجام را امضا نکردیم. پس شما سر مردم را کلاه گذاشتید؟ این حرف‌هایی که زدید، دروغ بود؟...» به عنوان کارشناسی که از آغاز، بدون هیچ‌گونه تعهد جناحی و مسلکی، شاهد و پیگیر جریان مذاکرات بودم، شهادت می‌دهم این مطلب به ایشان القا شده و صحت ندارد. نگارنده به نوبه خود شهادت می‌دهم آن مقامات و مذاکره‌کنندگان همواره می‌گفتند و می‌گویند برجام را برای رفع تحریم‌ها امضا کرده‌اند. اکنون که آن مقام‌های دولتی؛ یعنی رئیس‌جمهور و وزیر خارجه و رئیس سازمان انرژی هسته‌ای و همکارانشان حی و حاضرند؛ می‌پرسم: آقایان آیا می‌فرمایید اصلا برجام را برای رفع تحریم‌ها امضا نکرده‌اید؟ یعنی سر ما را کلاه گذاشته‌اید و حرف‌هایی که زده‌اید دروغ بود؟ ما که خیلی هم پیگیر کار بودیم، گواهی می‌کنیم به گوش خودمان چنین چیزی نشنیده‌ایم! دروغ چرا؟ تا قبر راهی نیست... درحال حاضر هم اگر کاری در اقتصاد راه افتاده یا هنوز ادامه دارد، به دلیل رفع و کاهش اصولی تحریم‌ها و ادامه‌نیافتن و تشدیدنشدن برنامه تحریم‌های فلج‌کننده است. فرموده‌اند: «قرارداد FATF نمونه دیگری است که کار را به مرحله خودتحریمی رسانده...» راستش چه عرض کنم، پیوستن به این برنامه بانکی ظاهرا یکی از بهرمند کارهای دورانپیشانه هرچند بسیار دیر دولت محبوب پیشین خودشان و مجلس‌های خودشان در برابر اتهام پول‌شویی بود. کاری برای جلوگیری از تحریم‌های بانکی که آن دولت خودش موجب آن شده بود. اکنون هم برخی متفذان هر موقع بخواهند، می‌توانند زیر آن بززند و از مزایای نبود آن بهرمند نشوند! البته ممکن است در عمل، نهادهای یا شخصی مشمول تحریم باشد و بانک نتواند اقدام کند یا به عبارت دلواپسانه «خودتحریمی» کند. دراین‌صورت هم می‌توانند ممانعت را نادیده بگیرند تا جلوی روابط و معاملات خارجی بانک کلا گرفته شود. امضای آن برای جلوگیری از بروز چنین تحریمی بوده است و فرموده‌اند: «بدینتر از اینها، قراردادهای نفتی است. شاه وقتی نفت ۲۰ سال ایران را به آمریکا فروخت، ما در همه‌جا اعتراض کردیم. امروز دارند با شرکت‌های آمریکایی و فرانسوی قرارداد می‌بندند که آنها مالکیت چاه نفت‌ما را در اختیار بگیرند. چنین کاری، جز در عربستان سعودی، اتفاق نیفتاده است...» سا از قراردادهای نفتی خیر و ندادن بهره‌ای شخصی نداریم، باید بانک‌ها و نمایندگان مجلس بررسی کنند؛ اما درباره فروش ۲۰ساله نفت به آمریکا که با اعتراض همراه بوده است، تصور می‌رود کاهش اتهام شاه به این اقدام امتیازی به نفخ یا باشد. آیا منظور از فروش ۲۰ساله نفت امضای قرارداد ۵۰-۵۰ کنسرسیونم است؟ آیا خریداران نفت، پولش را گرفته و به ما ندادند و در رفتند، آن را به (ب.ب) خودشان دادند و او آن را خورد؟ همه درآمد نفت در مقایسه با دولت محبوب پیشین چقدر بود؟ چقدرش را از دزدیدن و چقدرش هم خرج امور جاری و عمرانی شد؟ اگر قرار بود قرارداد بهتری ببینند، باید چگونه می‌بود و نفت از طریق کدام کارشناسان و با کدام امکانات تکنولوژیک، تولید و فراوری و صادر می‌شد؟ اما! درباره اینکه فرموده‌اند: «یکی از عناصر غربی وابسته به آمریکا، اخیرا گفته است اگر وضعی که امروز در کشور به وجود آمده، در زمان مصدق به وجود می‌آمد، مصدق از غصه دق می‌کرد، آن‌هم مصدقی که ما می‌گوییم در برابر انقلاب اسلامی اصلا عددی نیست...» دراین‌باره باید عرض شود، اتفاقا ایرادی که برخی به مصدق می‌گیرند، این است که نفت را با آن شور و هیجان ملی کردی، دست مریزاد؛ اما در این کار به همان اندازه که خوب رهبری و عمل کردی، بعدش کاسب خوبی نبودی! چرا سریع و سرحرب، قرارداد کنسرسیونم ماندی برپایه ۵۰-۵۰ که رسم آن روزگار بود نیستی و دوسالاب وقت گذراندی که مبادا مو لای درز حقوق ملی بود و در نتیجه پولی که باید درآمد دولت و مایه تقویت و انسجام آن می‌شد، نصیب شاه و امیال او شد! اما درباره اینکه مصدق عددی بود یا نبود، باید تاریخ بدون تعصب و با جمع بندی خدمات و ایرادها قضاوت کند. راستی پرسش این است که اگر عددی نبود، چطور است که تا ۲۸ مرداد مطرح می‌شود، همه طرفدار آن بی‌عدد می‌شوند و به براندازشده‌اش لعنت می‌فرستند. ضمنا دلواپسان برجام اگر راست می‌گویند، ابطال آن که کاری ندارد؛ برخلاف آن رفتار کنده وضع به حال گذشته بازمی‌گردد و بدتر هم می‌شود. اگر بخواهند بهتر شود، باید از تحریکات و التهاب‌آفرینی‌ها کاست. برجام هم واكسن نیست که وقتی بززند میکروب تحریم را نابود کند. ایجاد تنش در هر حوزه‌ای، اعمز داخلی و خارجی، امری دوجانبه است.

ادامه از صفحه ۲

«آی‌پی‌سی» و انصاف منتقدان

الگوی قرارداد جدید نفتی ایران با رویکرد بازنگری و تکمیل قرارداد بیع متقابل در چارچوب قوانین و مقررات کشور طراح و تدوین شده است. در دو دهه اخیر همسایگان‌مان بخش عمده‌ای از منابع نفت و گاز ایران را برداشت کرده‌اند. یک نگاه دقیق و ملی‌گرایانه به این موضوع به ما خاطرنشان خواهد کرد که اگر نقدی بر این قراردادها داشته باشیم، باید منصفانه و به دور از غرض‌ورزی‌های سیاسی و جناحی باشد.

شرق: پیوند پول و سیاست پیوند قدرتمندی است، آن‌گونه که بسیاری از اقتصاددانان از این پیوند شوم، با عنوان طبقه قدرت- ثروت یاد می‌کنند. اگر نگاهی به جهان داشته باشیم و در قالبی کوچک‌تر، ایران را در نظر بگیریم، خواهیم دید هرجا پول هست، سیاست هم راهی همان مسیر شده، فقط کافی است بوی پول به مشام سیاستمداران برسد. «محمود جاسماز»، اقتصاددان در گفت‌وگوی خود با «شرق» می‌گوید: «اقتصاد ایران یک اقتصاد سیاسی است؛ اقتصاد سیاسی آن است که تمام متغیرهای اقتصادی با منطق سیاسی تحلیل می‌شود و برعکس، متغیرهای سیاسی با منطق اقتصادی؛ اقتصاد پشتیبان سیاست است و سیاست به اقتصاد وام می‌دهد؛ یعنی این دو به هم گره خورده‌اند به‌نحوی‌که جداشدنی نیستند...» آن‌گاه به اینجا می‌رسد که اگر منابع به‌صورت بهینه به نیازهای واقعی اقتصاد تخصیص پیدا نکنند، در بخش‌هایی انباشت می‌شود که قدرتمندان آن را هدایت می‌کنند و این منابع، پشتوانه حرکت‌های سیاسی بعدی آنها خواهد بود.

کجا چرا پول باشد سیاست با به‌عبارتی دولت و دستگاه‌های قدرت هم حضور دارند؟
قبل از اینکه وارد این مبحث شویم بهتر آنکه تعریفی از پول و سیاست ارائه دهیم تا اهمیت این دو و رابطه آنها، به‌ویژه در کشور ما که اقتصاد نفتی و رانتی دارد، مشخص شود. تا زمانی که پول هنوز ابداع نشده بود، مردم با مبادله داشته‌های خود نیازها را برطرف می‌کردند؛ اما ابداع پول به‌عنوان تسهیل‌کننده مبادله، معیار ارزش و وسیله پس‌انداز، تحولی در مبادلات ایجاد کرد. پس از آن سیستم بانک‌داری به وجود آمد که یکی از عوامل مهم رشد اقتصادی کشورها و توسعه روابط اقتصادی بین‌الملل تلقی می‌شود. به‌دلیل اینکه هر انسان مصرف‌کننده‌ای، یک عنصر اقتصادی است؛ پول نقشی بسیار اساسی در زندگی افراد بازی کرده و می‌کند و پایه‌های روابط مالی و مبادلات اقتصادی انسان‌ها را تشکیل می‌دهد. برای سیاست هم تعاریف مختلفی از تعاریف دامن‌نا ته تعاریف علمی از سوی جامعه‌شناسان، روانشناسان علوم سیاسی و طب‌های دیگر مطرح شده است. در ادبیات عامیانه به افراد زیرک، رند و کسانی که برای حفظ منافع خود دروغ را راست و راست را دروغ جلوه می‌دهد، لقب سیاس می‌دهند. همچنین سیاست به مجموعه رفتار و کردار حاکمان یا کسانی که در رأس نهادهای مختلف حکومتی و غیرحکومتی هستند اطلاق می‌شود. در دوران کنونی سیاست و سیاست‌مداری بیشتر به روش‌های حاکمیتی و حکومتی مربوط می‌شود؛ بزرگ‌ترین وظیفه یک حکومت و دولت، حفظ امنیت و حقوق فطری و ذاتی و صیانت از آنهاست؛ بنابراین حتما باید نهادی مانند دولت باشد که حافظ این منافع باشد، در نتیجه انسان‌ها بخشی از حقوق خود را به نهادهی مانند دولت واگذار می‌کنند که از حقوق ذاتی و فطری آنها حمایت و صیانت کند تا بتوانند در کمال آرامش و آسایش در یک محدوده جغرافیایی زندگی کنند. حال این دولت‌ها از چه طریقی و با چه منابعی باید اداره شوند؟ مسلما منابع درآمدی در بسیاری از کشورها مالیات‌ها است؛ بنابراین مردم هستند که آنها را تغذیه مالی می‌کنند و سایر درآمدها مانند عوارض و فروش خدمات دولتی و درآمدهایی که از منابع طبیعی و ملی به دست می‌آورند. از اینجا مسئله سیاست و پول به هم آمیخته می‌شود، چراکه سیاستمداران برای اجرای مقاصد خود چه برای حفظ منافع ملی و چه برای حفظ منافع شخصی، نیازمند منابعی هستند که مردمی و ملی محسوب می‌شود. دولت‌ها برای تهیه این منابع، بودجه‌هایی را تنظیم می‌کنند که دخل و خرج خود را کنترل کنند؛ اما در واقع در ایران و بسیاری از کشورهای که درآمد نفتی دارند مانند ونزوئلا و عراق به جز نروژ که مدیریت خوبی در ساماندهی این منابع به خرج داد، متکی به منابع طبیعی هستند. این کشورها به‌دلیل دراختیارداشتن منابع باذآورده و سهل‌الوصول، چندان دغدغه امور مالی و مالیات ندارند. در سال‌های گذشته نظام مالیاتی ما همچنان یک نظام مالیاتی ساده و تغییرات و تحولات توبنی در آن انجام نشده است. درحالی‌که کشورهای توسعه‌یافته تا ۸۰ درصد منابع را از مالیات تأمین می‌کنند و مردم هم به پرداخت آن مقید هستند و با متخلفان به‌سختی برخورد می‌شود، چراکه جرم بسیار منفوری در کشورهای پیشرفته است؛ اما در ایران این‌طور نیست. اندیشمندی به نام میشل راسل تحقیقی کرده و به این نتیجه رسیده کشورهایی که همواره از این منابع سهل‌الوصول برای تأمین بودجه استفاده می‌کنند، اصولا کشورهایی هستند که از دموکراسی فرار می‌کنند و هیچ‌گاه به حکمرانی خوب نمی‌انديشند، چراکه این منابع به‌دلیل فرونی باعث می‌شود کسانی که در رأس قدرت هستند، قدرت را از طریق گسترش نهادهای نظارت خود افزایش دهند و منافذ فساد و رانت در این نهادها تولید و زاده‌شدن را آغاز می‌کند، در نتیجه از بطن این اقتصاد، فساد زاییده می‌شود.

در کشور ما یک اقتصاد دولتی نفتی رانتی داریم، دولت وارد تمام فعالیت‌های اقتصادی قبل از اینکه وارد این مبحث شویم بهتر آنکه تعریفی از پول و سیاست ارائه دهیم تا اهمیت این دو و رابطه آنها، به‌ویژه در کشور ما که اقتصاد نفتی و رانتی دارد، مشخص شود. تا زمانی که پول هنوز ابداع نشده بود، مردم با مبادله داشته‌های خود نیازها را برطرف می‌کردند؛ اما ابداع پول به‌عنوان تسهیل‌کننده مبادله، معیار ارزش و وسیله پس‌انداز، تحولی در مبادلات ایجاد کرد. پس از آن سیستم بانک‌داری به وجود آمد که یکی از عوامل مهم رشد اقتصادی کشورها و توسعه روابط اقتصادی بین‌الملل تلقی می‌شود. به‌دلیل اینکه هر انسان مصرف‌کننده‌ای، یک عنصر اقتصادی است؛ پول نقشی بسیار اساسی در زندگی افراد بازی کرده و می‌کند و پایه‌های روابط مالی و مبادلات اقتصادی انسان‌ها را تشکیل می‌دهد. برای سیاست هم تعاریف مختلفی از تعاریف دامن‌نا ته تعاریف علمی از سوی جامعه‌شناسان، روانشناسان علوم سیاسی و طب‌های دیگر مطرح شده است. در ادبیات عامیانه به افراد زیرک، رند و کسانی که برای حفظ منافع خود دروغ را راست و راست را دروغ جلوه می‌دهد، لقب سیاس می‌دهند. همچنین سیاست به مجموعه رفتار و کردار حاکمان یا کسانی که در رأس نهادهای مختلف حکومتی و غیرحکومتی هستند اطلاق می‌شود. در دوران کنونی سیاست و سیاست‌مداری بیشتر به روش‌های حاکمیتی و حکومتی مربوط می‌شود؛ بزرگ‌ترین وظیفه یک حکومت و دولت، حفظ امنیت و حقوق فطری و ذاتی و صیانت از آنهاست؛ بنابراین حتما باید نهادی مانند دولت باشد که حافظ این منافع باشد، در نتیجه انسان‌ها بخشی از حقوق خود را به نهادهی مانند دولت واگذار می‌کنند که از حقوق ذاتی و فطری آنها حمایت و صیانت کند تا بتوانند در کمال آرامش و آسایش در یک محدوده جغرافیایی زندگی کنند. حال این دولت‌ها از چه طریقی و با چه منابعی باید اداره شوند؟ مسلما منابع درآمدی در بسیاری از کشورها مالیات‌ها است؛ بنابراین مردم هستند که آنها را تغذیه مالی می‌کنند و سایر درآمدها مانند عوارض و فروش خدمات دولتی و درآمدهایی که از منابع طبیعی و ملی به دست می‌آورند. از اینجا مسئله سیاست و پول به هم آمیخته می‌شود، چراکه سیاستمداران برای اجرای مقاصد خود چه برای حفظ منافع ملی و چه برای حفظ منافع شخصی، نیازمند منابعی هستند که مردمی و ملی محسوب می‌شود. دولت‌ها برای تهیه این منابع، بودجه‌هایی را تنظیم می‌کنند که دخل و خرج خود را کنترل کنند؛ اما در واقع در ایران و بسیاری از کشورهای که درآمد نفتی دارند مانند ونزوئلا و عراق به جز نروژ که مدیریت خوبی در ساماندهی این منابع به خرج داد، متکی به منابع طبیعی هستند. این کشورها به‌دلیل دراختیارداشتن منابع باذآورده و سهل‌الوصول برای تأمین بودجه استفاده می‌کنند، اصولا کشورهایی هستند که از دموکراسی فرار می‌کنند و هیچ‌گاه به حکمرانی خوب نمی‌انديشند، چراکه این منابع به‌دلیل فرونی باعث می‌شود کسانی که در رأس قدرت هستند، قدرت را از طریق گسترش نهادهای نظارت خود افزایش دهند و منافذ فساد و رانت در این نهادها تولید و زاده‌شدن را آغاز می‌کند، در نتیجه از بطن این اقتصاد، فساد زاییده می‌شود.

در کشور ما یک اقتصاد دولتی نفتی رانتی داریم، دولت وارد تمام فعالیت‌های اقتصادی

اقتصاد

جام‌ساز در گفت‌وگو با «شرق» از پیوند پول و سیاست می‌گوید:

افشای فساد با اصطکاک منافع صاحبان نفوذ

دولت‌ها و شبه دولتی‌ها هرجا بوی پول به مشام برسد حضور دارند



عکس: رونق رستمی/شرق

کشور شده است، به گفته دولتی‌ها ۸۰ تا ۸۵ درصد اقتصاد در اختیار دولت است؛ اما به اعتقاد من، از این میزان، حدود ۸۰ تا ۸۵ درصد در اختیار نهادهای فرادولتی و شبه‌دولتی و حاکمیتی است به‌نحوی‌که جداناپذیرند و اگر اقتصاد پشت سیاست نباشد، نمی‌تواند در جهت منافع شخصی افرادی که در رأس کار هستند به‌صورت لکام‌گسیخته حرکت کند. حقوق‌های نجومی، وام‌های هزاران میلیاردی بدون‌وثیقه، فساد بانکی و تبدیل‌شدن بانک‌ها به بنگاه‌دار همه از جمله این مصادیق هستند. اکنون شرکت‌های زیرمجموعه بانک‌ها، ظاهرا متعلق به بانک‌ها نیستند، اما متعلق به مدیران و وابستگان مدیران هستند و بیشترین وام‌ها را بدون‌وثیقه دریافت کرده‌اند و این منابع را یا از مملکت خارج کرده‌اند یا رو به مستغلات آورده‌اند که آن می‌توان در قالب برج‌های شمال شهر مشاهده کرد که اکنون خالی‌ند، و صاحبان آنها نه قصد و نه ترس دارند که این پول‌ها را پس بدهند. چون بانک‌ها یا عوامل دولتی در آن شریک هستند. نقدینگی بانک‌ها به دلیل همین سیستم اعتباردهی بسیار پایین آمده است. حجم نقدینگی به هزار هزار میلیارد تومان رسیده است که از زمان به‌قدرت‌رسیدن روحانی تقریبا دوبرابر شده، اما نیمی از این نقدینگی تقریبا قابل‌رصد نیست و نمی‌دانند کجاست. این یعنی پایه پولی افزایش پیدا کرده و نقدینگی زیاد شده، اما زیادشدن این نقدینگی باعث رشد اقتصادی نشده است. اکنون کشور ما در وضعیت اقتصادی بسیار بدی به‌سر نمی‌برد. منابع ته کشیده و اگر چه تحریم‌ها عامل مهمی برای عقب‌ماندگی کشور بود، اما ما مگر قبل از تحریم‌ها وضع اقتصادی خوبی داشتیم؟ بنابراین ناکارآمدی سیاست دولت‌ها، عامل مهم‌تری است. اکنون تحریم‌ها برداشته شود، گرچه آثار عملی آن ظاهر نشده، اما درآمدهای آتچنانی مثل سابق نداریم که بتوانیم ولخرجی‌های سابق را داشته باشیم.

به‌هرحال اکنون قدرت و ثروت پشتوانه هم هستند. این قدرت که در دستان

گروهی خاص است و شما به‌عنوان شبه‌دولتی‌ها از آن یاد کردید، در حدی هست که حتی جلو خالق خود که دولت‌ها هستند، بایستد؟ در کشور ما اصولا نیروهای مختلفی وجود دارند که هرکدام روش‌های مختلفی برای اداره کشور دارند. به‌هرحال این قدرت‌ها سعی می‌کنند در جریان انتخابات، این قدرت را از دست حریف بگیرند و خود صاحب کرسی‌های مجلس یا دولت شوند و امیال و اراده‌های خود را اعمال‌شود. حالا تا چه حدی بتوانند این کار را انجام دهند بستگی به سیاست‌ها و قدرت‌های مالی و اقتصادی کسانی دارد که پشتیبان آنها هستند. کشور ما، چه دولت روحانی باشد، چه دولت دیگری سر کار بیاید، یک اقتصاد دولتی نفتی رانتی است، گرچه فعلا از سر اجبار وابستگی بودجه به نفت به ۳۱ درصد رسیده است، اما همین اندیشه اقتصاد دولتی را داشته باشد محکوم به همین نارسایی‌های است که اکنون شاهد آن هستیم.

به‌هرحال نظام باید اندیشه اقتصاد دولتی را به یک اندیشه اقتصاد آزاد تبدیل کند؛ یعنی یک تغییر در تحول در مجموعه اقتصاد دولتی ایجاد شود که این اقتصاد دولتی بتواند آن مؤسسات و آن حوزه‌های اقتصادی را که نباید دولت وارد آن می‌شد به بخش خصوصی واگذار کند. اکنون دولت در هرجایی که پول هست، وارد شده است. دولت و شرکت‌های دولتی در فوتبال، در کارخانه‌های خودروسازی و در اغلب واحدهای پتروشیمی و هرجایی که بوی پول به مشام می‌رسد حضور دارند. پیمانکاری اصلی پروژه‌های دولتی، در دست دولتی‌ها و... است. بخش خصوصی فقط به‌عنوان پیمانکاران دست‌چندم در این پروژه‌ها حضور دارد و نمی‌تواند قدرت بگیرد. بخش خصوصی باید در شرایطی حرکت کند که یک رقابت آزاد و اقتصاد آزاد داشته باشیم. همان‌طور که در سیاست‌های کل نظام هم تشریح شده،

رویکردهایی مثل رویکرد آزادسازی اقتصادی، رویکرد تعامل با اقتصاد خارج و رقابت‌پذیری خصوصی‌سازی، رویکردهای بسیار مترقی‌ای هستند که هیچ‌گاه اجرایی نشدند. به‌هرحال ما باید اقتصادمان به یک منظومه اقتصادی تبدیل شود؛ منظومه‌ای که متغیرهای درونی آن از یک ارتباط وسیع و مستحکم با یکدیگر برخوردار باشند و ارتباط منطقی بین ارکان و اجزای آنها وجود داشته باشد. ما نمی‌توانیم یک متغیر اقتصادی را به میل خودمان بالا و پایین ببریم و فکر کنیم که اقتصاد سروسامان پیدا می‌کند. نباید به‌دنبال راه‌حل‌های موقت باشیم. راه‌حل‌های ما باید بلندمدت باشند تا بتوانیم به نتایجی که دلخواه است برسیم و اقتصاد پایدار ایجاد کنیم.

ک رابطه قدرت و ثروت، قدرت باعث شده دستبایی به ثروت سهل‌تر شود یا در این زنجیره، هرچه ثروت بیشتری داشته باشید، قدرت بیشتری پیدا می‌کنید و دوباره با آن قدرت بیشتر به پول بیشتری می‌رسید؟

مسئله اساسی اقتصاد ایران، تخصیص نادرست منابع به نیازهای واقعی اقتصاد کشور است. وقتی منابع به صورت بهینه به نیازهای واقعی اقتصاد تخصیص پیدا نکنند، به جاهایی می‌رود و انباشت می‌شود که قدرتمندان آن را هدایت می‌کنند و این منابع، پشتوانه حرکت‌های سیاسی آنها خواهد بود. اگر این منابع به جای خود و در تولید خرج شود یا در بانک‌ها سیستم اعتبارات برمبنای اصول علمی بانکداری توزیع شود، دچار این مشکلات نخواهیم بود. تولید را افزایش خواهیم داد و رشد اقتصادی را بالا خواهیم برد و منابع به بنگاه‌های کوچک و متوسط خواهد رسید و به توسعه دست خواهیم یافت. این دسته از بنگاه‌ها در دوران احمدی‌نژاد تحت‌تأثیر واردات بی‌رویه قرار گرفتند و نتوانستند رقابت کنند.

ازاین‌رو بسیاری از آنها متوقف و تعطیل شده بودند؛ از جمله شرکت‌هایی مثل ارج و پارس‌الکتریک و... که به دلیل ناتوانی در پرداخت حقوق کارکنان و بازپرداخت وام‌ها و بدهی‌های خود، وارد لیست سیاه بانک‌ها شده بودند و حتی موفق به گرفتن تسهیلات هم نمی‌شدند، اما فعلا یکی از کارهای خوبی که دولت در زمینه کمک به مؤسسات کوچک و متوسط انجام داده این است که بانک‌ها به این بنگاه‌ها کمک کنند. در قدیم وقتی کسی در بازار ورشکسته می‌شد، او را زندانی نمی‌کردند؛ بزرگان بازار و طلبکاران به او سرمایه می‌دادند تا کار کند و از سود فعالیت خود بدهی‌ها را بپردازد. حالا هم تقریبا همان روش را برای رفتار بانک‌ها با بنگاه‌هایی که حال‌ورز خوبی ندارند در پیش گرفته‌اند که براساس آن، به بانک‌ها گفته‌اند چ‌ک‌های برگشتی این بنگاه‌ها را از لیست سیاه خارج کنید، اگر هم بدهی معوق دارند باز به آنها اعتبار بدهید تا راه بیفتند. البته متأسفانه بانک‌های ما هم گرفتار کمبود نقدینگی هستند به دلیل اینکه هم کفایت سرمایه‌یایی دارند و هم بسیاری از تسهیلاتی که داده‌اند، از سویی همین افرادی که صاحبان قدرت و رانت هستند بازگشت داده نشده است.

ک شما اشاره داشتید که در زنجیره ارتباط قدرت و ثروت، قدرت به سمت پول می‌رود و قوی‌تر می‌شود و بعد با این قدرت قوی‌تر پول کلان‌تری به دست می‌آورد و این پول‌ها حکم می‌کند که سیاست‌های آنها به پیش برود. سؤال این است که آیا هر شخص یا گروهی که ثروت یا قدرت داشته است، می‌تواند وارد این زنجیره شود یا در این زنجیره فقط افراد با گروه‌ها و نهادهای خاصی می‌توانند حضور داشته باشند؟ به عبارتی آیا کل اصحاب قدرت و سیاست و همه اصحاب ثروت، توانایی درپیش گرفتن سیاست‌هایی را که منجر به تکمیل این زنجیره می‌شود، دارند؟

شما به اصحاب ثروت و سیاست اشاره کردید؛ اکنون بیشتر ثروتمندان ما ثروتمندان نوکیسه‌ای هستند که از دل همین دولت‌ها برخاسته‌اند. اکنون ثروتمندی نداریم که مانند گذشته براساس فعالیت خود و پدران خود، ثروتی را اندوخته‌باشد. کل کشورهای دیگر مؤسسه‌ای داریم که ۲۰۰ سال از عمر آنها می‌گذرد؛ اما در ایران مؤسسه‌ای نداریم که حتی ۵۰ سال عمر داشته باشد. قبل از انقلاب، گروه‌هایی صنعتی مانند گروه صنعتی کفش ملی و... داشتیم که اگر اکنون وجود داشتند، گروه‌های باقدماتی بودند؛ اما اغلب این گروه‌های صنعتی از بین رفته‌اند. ما در ایران به سبب سیاست‌های ناکارآمد اقتصادی دولت‌ها، چندین سال عقب افتاده‌ایم و فقط درآمدهای هنگفت نفتی خود را دست‌ودلبازانه هزینه کردیم. فارغ از اینکه این منابع به کجا رفته و چه کسی آنها را حسابرسی کرده است، اکنون در قوه مقننه ابزارهایی برای نظارت داریم که دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور ازجمله آنها هستند؛ اما این سازمان‌ها چه زمان به بازرسی پول‌هایی پرداختند که مشخص نیست به کجا رفته است؟ یا بودجه چگونه مصرف شده است؟ فقط یک زمان شنیده شد که تخلفاتی از سوی احمدی‌نژاد صورت گرفته است؛ اما هیچ نتیجه‌ای از آن حاصل نشد.

ادامه در صفحه ۱۹

سال چهاردهم • شماره ۲۶۸۰ روزنامه شرق

بورس

حفظ شاخص کل برمدار مثبت



لیلا آقایی

تحلیلگر بازارهای مالی

● با توجه به نزدیک‌شدن به انتشار صورت‌های مالی شش‌ماهه شرکت‌ها و حساسیت به میزان پوشش بودجه‌های اعلامی و همچنین پایان سال مالی تقریبا نیمی از کارگزاری‌های فعال در بازار سرمایه حجم معاملات کاهش چشمگیری یافته است؛ بنابراین بازار سرمایه همچنان در رخت و رکود به سر برده و خری از فعالیت‌های اقتصادی جدید و عملی نیست. دراین‌میان، اقبال بازار صرفا با برخی از تک‌سهم‌ها و حمایت‌های مصنوعی و دست‌کاری قیمتی همراه است. در بازار روز گذشته حجم معاملات ۱۷۷ میلیارد تومان بوده و شاخص کل به عدد ۷۶ هزارو ۶۴۳ واحد رسید و افزایش ۳.۶ درصدی را ثبت کرد. ملی مس ایران، ایران‌خودرو، ارتباطات سیرا و سایا بیشترین اثر مثبت و پالایشگاه نفت بندرعباس، هلدینگ خلیج فارس و ماشین‌سازی اراک بیشترین اثر منفی را در تعیین شاخص کل بر عهده داشتند. بیشترین حجم معاملات مربوط به نمادهای سایا، خودرو و زامیاد و خریخت بود که نشان‌دهنده توجه دوباره بازار به گروه خودروسازی و قطعات است. مهم‌ترین دلایل اقبال به نمادهای گروه قطعه‌سازی را می‌توان اهدافی که در دومین نشست مشترک قطعه‌سازان ایران‌خودرو و پژو عنوان شد، ذکر کرد: «تسریع در خودکفایی قطعات خودروهای جدید، ایجاد تعامل دوسویه میان قطعه‌سازان دو شرکت جهت ارتقای کیفی قطعات، افزایش توان فنی‌مهندسی و رقابت‌پذیری سازندگان داخلی، ایجاد پتانسیل‌های صادراتی در صنعت خودرو و قطعه‌سازی کشور، بالا رفتن احتمال وصول مطالبات در کنار فعال‌شدن کشورهای آلمان و فرانسه در صنعت قطعه‌سازی کشور و بسترسازی برای عقد قراردادهای همکاری مشترک». در گروه بیمه، نهاد بیمه سامان مورد توجه فعالان بود؛ شرکت بیمه سامان در روز پنجشنبه ۲۵ شهریور به مجمع خواهد رفت، احتمالا سود تقسیمی بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ ریال خواهد بود. شنیده شده شرکت بیمه آلمانی مونیر یخ در حال خرید حدود ۵۰ درصد شرکت بیمه سامان است و به‌زودی شریک خارجی آن خواهد شد. در گروه رانانه، بعد از افزایش قیمت حدودا ۳۰ درصدی در نماد مرقام، لیدری گروه به نماد مداران رسید؛ مداران با شایعه مشارکت یک شرکت معتبر اروپایی و شروع‌بکار پروژه کارت سلامت و همچنین افزایش سرمایه صدرصدی در این راستا بیشترین صف خرید روز معاملات گذشته را به همراه داشته است. گروه پالایش معاملات متعادل و کم‌حجمی داشتند، دراین‌میان شپاس به دلیل خبر افزایش سرمایه ۴۳۳ درصدی صف خرید خود را تا پایان بازار حفظ کرد.

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۷۶۶۴۳۰۹	۳۶۰+
شاخص قیمت	۲۷۷۹۸۰۳	۱,۳۱+
شاخص کل (میان)	۱۷۳۹۸,۴	۱۷,۱۱+
شاخص قیمت (میان)	۱۱۴۹۲,۷	۱۳,۶۹+
آر اشناور	۸۵۱۹۹	۶۹,۸۱+
۵۰ شرکت بزرگ	۳۰۴۶,۱	۰,۷۰+

ارز و طلا

طلا زیر پتک مقامات آمریکایی

● شرق: قیمت طلا در بازارهای بین‌المللی در آغاز مبادلات دوشنبه بار دیگر با کاهش روبه‌رو شد که علت اصلی آن اظهارات مقام‌های فدرال‌رزرو آمریکا درباره احتمال افزایش نرخ بهره در نشست سپتامبر بود. به گزارش طلا به نقل از پایگاه اینترنتی روتیتر، قیمت هارونس طلا دیروز و در زمان نگارش این گزارش تا هزارو ۳۲۳ دلار افت کرد. براساس این گزارش شاخص ارزش دلار آمریکا در برابر سیدی از ارزهای معتبر بین‌المللی با افت ۰.۱ درصدی روبه‌رو شد و به ۹۵.۲۱ واحد رسیده است. برخی مقام‌های ارشد فدرال‌رزرو آمریکا بار دیگر از احتمال افزایش نرخ بهره در نشست ۲۰ و ۲۱ سپتامبر خبر داده‌اند که این مسئله فشار زیادی بر قیمت جهانی طلا وارد کرده است. به نظر می‌رسد قیمت جهانی طلا در روزهای آینده تحت تأثیر انتشار آمارهای مهم اقتصادی آمریکا، منطقه یورو و چین خواهد بود. بانک مرکزی ژاپن نیز اعلام کرده برده حمایت از اقتصاد ادامه است اجرای سیاست‌های انبساطی پولی را ادامه دهد.

ارز	قیمت(دلار)	تغییر
دلار آمریکا	۳۵۴۹	-
یورو	۴۰۰۰	+۱
پوند	۴۷۳۷	-۸
درهم	۹۷۱	+۱

طلا و سکه	قیمت	تغییر
طرح قدیم	۱,۱۱۴,۵۰۰	+۵۰۰
طرح جدید	۱,۱۱۶,۵۰۰	+۱۵۰۰
نیم	۵۷۰,۰۰۰	-۲۰۰۰
ربع	۲۹۹,۰۰۰	-
گرمی	۱۸۶,۰۰۰	+۲۰۰۰
گرم ۱۸ عیار	۱۱۳,۹۰۰	+۲۰۰
اونس (دلار)	۱۳۳۲,۲	-۵۶